گذری بر نقاشی‌ها و مجسمه‌های روزبه شریف در گالری سو

شخصیت‌پردازی

فاروق مظلومی

پرداختن به سیاه‌بازی و شخصیت مبارک در نقاشی و مجسمه این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا در هنر تجسمی هم مثل داستان می‌توانیم شخصیت‌پردازی کنیم. این امر در مینیاتور ایرانی و دیوارنگاره‌های کلیسا قبل از اختراع فیلم و صنعت چاپ معمول بود یا در تصویرسازی‌های کتاب‌های مصور هم دیده می‌شود؛ اما تنوع رنگ، تنوع مواد و فرم‌های آثار این نمایشگاه شخصیت مبارک را در خود حل کرده بود؛ البته به نظر من این توفیق اجباری برای هنرمند است که با این امحای فرم، زبان بصری آثار همه‌گیرتر شده بود. روزبه شریف با جسارت به سراغ رنگ‌ها و فرم‌های پاپ رفته و مجسمه‌هایی با توپوگرافی پیچیده تولید کرده است. این برجستگی و فرورفتگی‌های متنوع در مجسمه‌ها ارتباط با مجسمه‌ها را پیچیده‌تر می‌کند و باعث پویایی و فعالیت بیشتر آثار می‌شود. در چیدمانی از مجسمه دو تکه مبارک با یک ارائه خوب با نورپردازی در فضای مناسب روبه‌رو می‌شویم که اهمیت ارائه را نشان می‌دهد. اغلب برای استقرار مجسمه از استند یا پایه یا طناب آویز استفاده می‌کنند و این موضوع زیبایی‌شناسی آثار را خدشه‌دار می‌کند؛ اما مجسمه‌های این نمایشگاه برای ایستایی از عناصر الحاقی مثل پایه یا طناب آویز بهره نبرده‌اند و این استقلال حجم‌ها را بیشتر می‌کند. روزبه شریف برای ارائه مجسمه در کنار نقاشی باید به قدرت حجم در برابر بوم دوبعدی توجه می‌کرد. اگر تابلوهای نقاشی به‌تنهایی نمایش داده می‌شدند، بهتر دیده می‌شدند. نحوه ارائه آن‌قدر مهم است که گروهی از منتقدان، نمایشگاه را نمایشِ نحوه ارائه هم می‌دانند ارائه نباید موجب تضعیف اثَر شود و آن‌قدر هم قوی نباشد که اثر هنری تحت‌الشعاع ارائه‌اش قرار گیرد؛ چون در صورت جابه‌جایی اثر از محل ارائه به محلی دیگر، تأثیر آن کمتر می‌شود. در یکی از اتاق‌ها با مجسمه منفصل مبارک روبه‌رو می‌شویم که به شکل افقی با سیم‌های فلزی از سقف آویزان است. به نظر من کل پیام اضمحلال آیین‌ها و سمبل‌های اجتماعی بر اثر زمان در همین مجسمه وجود داشت و مجسمه‌ها و نقاشی‌های دیگر با ایجاد اغتشاش در پیام، روحی از آنارشی مطلوب در هنر را ایجاد می‌کردند. اگرچه مجسمه‌ها از نظر ریزفرم‌ها شباهت داشتند؛ اما تفاوت در ابعاد موجب می‌شد شباهت اصلی با عناصر رنگ و ماده دیده شود. رنگ‌های خالص که به مخاطب هجوم می‌آورند و روحی از کودکی را به اثر تزریق می‌کنند، تقابلی قابل بحث با فرم‌های جدی هندسی داشتند. با توجه به شباهت این نمایشگاه به نمایشگاه سال گذشته این هنرمند و تکرار فضای رنگی و فرمی گاهی مشابه، بهتر است فضای مراقب (گالری مخاطب، رسانه، منتقد و...) به آثار این هنرمند توجه بیشتری کند و حساسیت بیشتری داشته باشد.

اخبار برگزیده

آیین نکوداشت عباس جمال‌پور

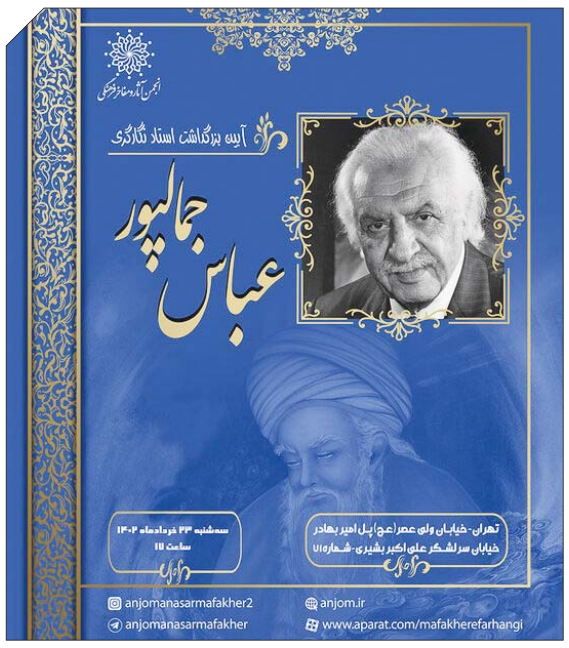

آیین نکوداشت عباس جمال‌پور، نگارگر کشور، در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می‌شود. در این رویداد که امروز سه‌شنبه بیست‌وسوم خرداد ساعت ۱۷ برگزار خواهد شد، جمعی از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه هنرهای تجسمی سخنرانی خواهند کرد. عباس جمال‌پور، نگارگر، موسیقی‌شناس و نوازنده، پژوهشگر و استاد هنر و کارتوگرافیست متولد ۱۳۱۲ شمسی است. او دارای مدرک درجه‌یک هنری (دکتری) در رشته نگارگری و فارغ‌التحصیل هنرستان کمال‌الملک با درجه ممتاز شاگردی در نزد استاد محمدعلی زاویه است. جمال‌پور در سال ۱۳۸۸ نشان عالی تجسمی فجر را دریافت کرد و داوری چهار دوره از دوسالانه‌های نگارگری را بر عهده داشت. او نمایشگاه‌های متعددی در داخل و خارج از کشور برگزار کرده و بیش از ۲۸ سال است در زمینه انرژی هنر، فلسفه هنر، هنر و سیاست، هنردرمانی، هنر و تبلیغات و... تحقیق و پژوهش می‌کند.

افتتاحیه نمایشگاهی در گالری ویستا

«روزها و روزنه‌ها» با بازخوانی طبیعت بی‌جان

گالری ویستا از تاریخ ۱۹ تا ۲۹ خرداد میزبان چهاردهمین نمایشگاه انفرادی فرشته ستایش با عنوان «روزها و روزنه‌ها» است. به نقل از روابط‌عمومی نمایشگاه، از ۱۹ خرداد نمایشگاه نقاشی‌های فرشته ستایش با عنوان «روزها و روزنه‌ها» در گالری ویستا افتتاح شده است و تا ۲۹ خرداد ادامه خواهد داشت. ستایش در نمایشگاه «روزها و روزنه‌ها» ۱۱ اثر از آخرین آثار خود را به نمایش گذاشته است. این آثار با رویکرد فیگوراتیو آبستره بازخوانی مجدد این هنرمند از طبیعت بی‌جان است. علاقه‌مندان برای تماشای این آثار می‌توانند همه‌روزه به‌جز شنبه‌ها ساعت ۱۶ تا ۱۹ به گالری ویستا به آدرس خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه ۱۲، پلاک ۱۱ مراجعه کنند.

«ظهور هنر» در گالری اریک

نمایشگاه گروهی «ظهور هنر» به شکل آنلاین و با شرکت ۲۲ هنرمند در رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی در گالری اریک برگزار شد. به نقل از روابط‌عمومی رویداد، نمایشگاه گروهی هنرهای تجسمی «ظهور هنر» با شرکت ۲۲ هنرمند در هفت رشته هنری نقاشی، عکاسی، خوش‌نویسی، دیجیتال آرت، مجسمه، نقاشی‌خط و تهذیب، روز یکشنبه، ۲۱ خرداد ماه سال جاری به صورت آنلاین در گالری اریک به نمایش گذاشته شد. کیوریتوری نمایشگاه گروهی هنرهای تجسمی «ظهور هنر» را آیناز زارعی هنرمند جوان نقاش برعهده دارد. ابراهیم آقاخانی، آدرینه زهرابی، پارسا حسین اراضی، پریسا سلیمانی، روژان جعفری، سیما امیریان شایسته، شیرین مدنی، عاطفه نقوی، عسل حق‌پرست، غزل علامه‌نژاد، فاطمه علیپور، فرزاد جمشید دانایی، فریناز بحری، فهیمه جمالی، فؤاد زارع، کارینه زهرابی، گل‌افروز روستایی، لیلا عبادی، مجید کمالی، محدثه ملکی، مریم آقاسی لالانی و نازنین‌زهرا زمان‌نژاد اسامی هنرمندان شرکت‌کننده در این رویداد است. علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی برای تماشای ۳۲ اثر راه‌یافته به «ظهور هنر» می‌توانند تا روز یکشنبه، ۲۸ خرداد ماه ۱۴۰۲ به صفحات مجازی گروه هنری آیتیس و گالری اریک مراجعه کنند.

نگاهی به نمایشگاه «هایپررئالیسم: از تصویر تا واقعیت» در موزه هنرهای معاصر تهران

کپی فراتر از اصل

مریم درویش: پس از سال ۱۹۷۳ وقتی یک فروشنده آثار هنری کلمه فرانسوی hyperréalisme را برای عنوان نمایشگاه آثار فوتورئالیست‌های آمریکایی انتخاب کرد، این عنوان برای توصیف نقاشان تحت تأثیر فتورئالیست‌ها استفاده شد. هایپررئالیسم اولیه قرن بیست‌ویکم بر اصول زیبایی‌شناختی فوتورئالیسم بنا شد. در آن زمان، عده‌ای از هنرمندان از روی عکس کار می‌کردند تا نقاشی‌هایی بسازند که به نظر می‌رسید عکس هستند. بااین‌حال، هایپررئالیسم با رویکرد موجود در نقاشی‌های فوتورئالیسم اواخر قرن بیستم در تضاد است. نقاشان و مجسمه‌سازان هایپررئالیست از عکس به عنوان یک منبع استفاده کردند تا تصاویر دقیق‌تری ایجاد کنند که روایی و احساسی است؛ درحالی‌که نقاشان فوتورئالیست اغلب احساسات انسانی و عناصر روایی را حذف می‌کردند و نقاشی‌های آنها دقیق و کاملا مکانیکی بود. هایپررئالیسم، اگرچه تصویر را مطابق واقعیت ثبت می‌کند، اما موضوع را به عنوان یک عنصر زنده و ملموس نشان می‌دهد و جزئیات دقیق آن باعث می‌شود تا توهم واقعیتی را ایجاد کند که در عکس اصلی دیده نمی‌شود. در این شبیه‌سازی واقعیت، بافت‌ها، سطوح، نور و سایه‌ها واضح‌تر از عکس یا حتی خود موضوع واقعی به نظر می‌رسند.

آنچه این روزها در موزه هنرهای معاصر تهران شاهد هستیم، آثاری از گنجینه موزه است که همگی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به وجود آمده و تعدادی از آنها برای اولین بار در معرض دید عموم قرار گرفته‌اند.

از رابرت کاتینگهام تابلوهای «رالفس» ۱۹۶۸، «زوکرز» ۱۹۶۹ و «ژروم» ۱۹۷۰ در این مجموعه به نمایش درآمده است. کاتینگهام جلوه‌هایی از زندگی شهری را سوژه آثار خود قرار داده و نمای مغازه‌ها و تابلوهای فروشگاه‌ها از مهم‌ترین موضوعات آثار اوست. در هر تابلو برشی از یک منظره به نمایش درآمده است که با خطوط و سطوح هندسی و توجه به نور و سایه رسم شده‌اند. بخش‌های بالایی ساختمان‌ها که اغلب از دید مردم دور هستند، در این تابلوها با جزئیات به تصویر کشیده شده، اما تلاشی برای ساخت‌وساز و نمایش جنسیت مواد صورت نگرفته است. او در این آثار گرایش غالب در طراحی نمای ساختمان‌ها و تابلوها در یک برهه زمانی مشخص را ثبت کرده است.

ژان سابیسکی، هنرمند فرانسوی نیز در تابلوی «نمای ساختمان» که با رنگ روغن روی بوم کشیده شده است، به منظره شهری توجه داشته، اما این بار فضای داخلی ساختمان سوژه نقاش بوده است. سطوح وسیع و تخت دیوارها و کف ساختمان که در نمای اول دیده می‌شوند و خطوط افقی، عمودی و مورب که به شکلی منظم و هماهنگ در کادر پراکنده شده‌اند، به سادگی فضای داخلی ساختمانی مدرن را نمایان می‌کنند. رنگ‌های تیره و گرم در نمای جلو و رنگ‌های روشن و سرد در نمای عقب، به خوبی عمق میدان را تداعی می‌کند و چشم مخاطب را تا دورترین نقطه هدایت می‌کند.

دوان هانسون، مجسمه‌ساز آمریکایی است که آثارش معمولا فیگورهایی واقع‌گرایانه هستند که با قالب‌گیری از سوژه زنده ساخته شده و لباس‌های واقعی به آنها پوشانده شده است. او در اثر «بوکسورها» که سال ۱۹۷۰ با پلی‌استر و فایبرگلاس ساخته شده است، دو مرد سیاه‌پوست را در حال مبارزه نشان می‌دهد، درحالی‌که لکه‌های خون و قطره‌های عرق بر پوست آنها به وضوح قابل مشاهده است.

هوارد کانوویتز هم یک ورزشکار را سوژه اثر خود کرده است. «چارلی اسکات» بسکتبالیست در سال ۱۹۷۰ توسط کانوویتز نقاشی شده است، اما او به جای نقاشی روی بوم یا کاغذ و قراردادن فیگور در یک کادر بسته، نقاشی خود را روی چوب کشیده و اطراف آن را برش داده است تا فیگوری که در حال تحرک است، در فضایی باز، آزادانه حرکت کند. به‌جز بوکس و بسکتبال، فوتبال هم به آثار هنرمندان هایپررئال راه یافته است. مایک گورمن در تابلوی «آقای پله شما یک هنرمند هستید» که سال ۱۹۷۳ با اکریلیک روی بوم به وجود آمده، پرتره این فوتبالیست افسانه‌ای را ترسیم کرده است.

از ریچارد استس چند اثر چاپ سیلک در این مجموعه به نمایش درآمده است. او به عنوان یکی از بنیان‌گذاران جنبش فوتورئالیسم شناخته می‌شود. استس پیش از نقاشی‌کردن، مدتی به عنوان عکاس فعالیت می‌کرد و تأثیر این دوره بر نقاشی‌هایش دیده می‌شود. نقاشی‌های دقیقی از مناظر شهری، ویترین فروشگاه‌ها، ساختمان‌ها و... که بر اساس عکس کشیده شده‌اند و انعکاس‌ها و جزئیاتی در آنها وجود دارد که با چشم انسان دیده نمی‌شوند.

ریچارد مک‌لین بیشتر به خاطر نقاشی‌هایش از اسب‌ها و سوارکاران شناخته می‌شود. تصاویری دقیق و واقع‌گرایانه از اسب‌هایی در پیست مسابقه یا مزرعه از او به جا مانده است. در تابلوی «رؤیای پاسادنا» که سال ۱۹۶۷ با رنگ روغن روی بوم کشیده شده، جزئیات دقیق در ترسیم بدن اسب کاملا درخور توجه است، به طوری که ماهیچه‌ها و جهت رویش موهای بدن اسب قابل مشاهده است.

دان ادی یکی از هنرمندانی است که با عکاسی از ماشین‌ها به نقاشی از آنها می‌پردازد، اما او به یک عکس و نقاشی عین‌به‌عین از آن اکتفا نمی‌کند. ادی از یک سوژه چندین عکس با اختلاف زاویه اندک تهیه کرده و سپس با ترکیب آنها، تابلویی را به وجود می‌آورد که ریزترین جزئیات را به شکلی وسواس‌گونه نشان می‌دهد. او در چند تابلو با عنوان «قسمتی از سپر» که سال ۱۹۷۰ با اکریلیک روی بوم کشیده شده‌اند، بخش‌هایی از اتومبیل را با نورها و انعکاس‌های اغراق‌شده نمایش داده است.

جان سالت هم در آثار خود به اتومبیل پرداخته است، اما به‌جای زرق و برق خودروهای نو و زیبا، اتومبیل‌های تصادفی و رهاشده را انتخاب کرده است. او با دقت فراوان به نمایش ماشین‌هایی با شیشه شکسته، بدنه فرورفته و صندلی‌های پاره‌شده پرداخته است. تابلوی «ماشین توقیف‌شده» محصول ۱۹۷۰ فضای درونی اتومبیلی را نشان می‌دهد که رنگ‌های سرد و خاموش و فضای غبارگرفته آن، خبر از گذر زمانی طولانی از رهاشدنش می‌دهد.

اما کریس کراس به بخش‌های داخلی اتومبیل توجه کرده است. در تابلوی «دوج مسخره» که سال ۱۹۷۳ با اکریلیک روی بوم نقاشی شده است، اجزای داخلی خودرو را می‌بینیم که با دقت به تصویر کشیده شده‌اند و آنچه را اغلب از چشم افراد به دور است، آشکار کرده است.

چاک کلوز را علاقه‌مندان هنر با پرتره‌های خاص او می‌شناسند. کلوز در دوران فعالیت خود تکنیک‌ها و ابزارهای مختلف را به کار برد و چهره انسان را به شکل‌های مختلف به تصویر کشید. پرتره‌های غول‌پیکر سال‌های اولیه فعالیتش که مطابق عکس و با جدول‌بندی کشیده می‌شد، تا نقاشی‌های کاملا واقع‌گرایانه و بعدها چهره‌های پیکسلی که تصویری متفاوت از انسان ارائه می‌داد، همگی حاصل تلاش خستگی‌ناپذیر هنرمندی بود که با وجود مشکلات جسمی شدید، دست از نقاشی برنداشت و پیوسته خلاقیت‌های جدیدی از خود بروز می‌داد. در این نمایشگاه، اثر چاپ مزوتینت او با عنوان «کیت» به نمایش درآمده است که از نخستین آثار او پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه در سال ۱۹۷۲ بوده و اولین قدم‌هایش برای تبدیل‌شدن به هنرمندی جهانی را آشکار می‌کند.

رالف گوئینگز سال ۱۹۶۷ در تابلوی «دختری در لباس خاکستری»، فیگور زنی را در یک فضای خالی و تخت به تصویر کشیده است. در این اثر خبری از ساخت‌وسازها و توجه به جزئیات نیست. چهره زن با سطوح تیره و روشن شکل گرفته و بدون اینکه تلاشی برای ترسیم چشم‌ها و سایر اجزای صورت انجام گرفته باشد، گویای حالات درونی اوست.

از مالکوم مورلی تابلوی «کشتی بخار» که در سال ۱۹۶۶ کشیده شده، به نمایش درآمده است. او به عنوان یکی از پیشتازان هایپررئالیسم شناخته می‌شود که آثار خود را در تقابل با سبک رایج دوران، یعنی پاپ‌آرت به وجود آورد. او که بعدها تجربه نقاشی در سبک‌های دیگر را هم به دست آورد، اغلب به نقاشی از کشتی‌ها، اتفاقات روزمره و تصادف‌ها می‌پرداخت.

نمایشگاه «هایپررئالیسم: از تصویر تا واقعیت» تا ۱۱ تیرماه در موزه هنرهای معاصر تهران میزبان علاقه‌مندان است.

رابرت ایندیانا هنرمند پاپ‌آرت، در آثار خود به بررسی قدرت زبان، هویت آمریکایی و تاریخ شخصی می‌پردازد و اغلب از کلمات ساده و درخور توجه در مجسمه‌ها، نقاشی‌ها و چاپ‌هایش استفاده می‌کند. تابلوی چاپ دستی «تِرهت» محصول سال ۱۹۷۱ که در این مجموعه به نمایش درآمده است، با استفاده از کلمات و اعداد، همراه با سطوح تخت رنگی به وجود آمده و یادآور تابلوهای تبلیغاتی است.

«پارچ آبی شماره ۹» اثر سزار بالداچینی، کلاژ فلز و رنگ روی کاغذ است که در سال ۱۹۷۱ ساخته شده است. بالداچینی به‌جای نقاشی‌کردن پارچ فلزی و ارائه تصویری نزدیک به واقعیت، پارچ را فشرده کرده و روی کاغذ چسبانده است. فشرده‌سازی یکی از تکنیک‌های اصلی او در مجسمه‌سازی است که آثار بسیاری را به این شیوه به وجود آورده است.

همچنین تصاویر واقعی صحنه یا موضوع خاصی نیستند. در عوض، آنها از عناصر تصویری اضافی، اغلب ظریف، برای ایجاد توهم واقعیتی استفاده می‌کنند که در واقع یا وجود ندارد یا با چشم انسان قابل مشاهده نیست.

پروژکتورهای اسلاید عکاسی یا پروژکتورهای چندرسانه‌ای برای نمایش تصاویر بر روی بوم استفاده می‌شوند و تکنیک‌های ابتدایی مانند شبکه‌بندی نیز ممکن است برای اطمینان از دقت مورد استفاده قرار گیرند.

مجسمه‌ها از پلی‌استرهایی استفاده می‌کنند که مستقیما روی بدن یا قالب انسان اعمال می‌شود. هایپررئالیسم به سطح بالایی از مهارت و مهارت فنی برای شبیه‌سازی واقعیت نادرست نیاز دارد. به این ترتیب، هایپررئالیسم محدودیت‌های عکاسی مانند عمق میدان، پرسپکتیو و محدوده فوکوس را در بر می‌گیرد و اغلب از آنها استفاده می‌کند.

برخی از نقاشان هایپررئالیست مانند چاک کلوز، دنیس پترسون، برت مونروی و رابرت بچتل از ناهنجاری‌های موجود در تصاویر دیجیتال، مانند فرکتالیزاسیون، برای تأکید بر منشأ دیجیتالی آنها استفاده می‌کنند.

موضوع شامل پرتره، هنر فیگوراتیو، طبیعت بی‌جان، مناظر، مناظر شهری و صحنه‌های روایت است. سبک هایپررئالیستی جدیدتر از فوتورئالیسم در جزئیات تصویری با تأکید بر مضامین اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی بسیار واقعی‌تر است.

نقاشی‌ها و مجسمه‌های هایپررئال از طریق نورپردازی و جلوه‌های سایه‌زنی ظریف، استحکام و حضور فیزیکی ملموسی را ایجاد می‌کنند. شکل‌ها، فرم‌ها و نواحی نزدیک به قسمت جلویی تصویر از نظر بصری فراتر از صفحه جلویی بوم ظاهر می‌شوند و در مورد مجسمه‌ها، جزئیات بیشتر از طبیعت وضوح دارند.